



Federal Ministry for
Family Affairs, Senior Citizens,
Women and Youth

Federal Ministry
of Justice and
Consumer Protection

حمایت بیشتر در موارد خشونت خانگی

اطلاعاتی در باره قانون حمایت در برابر خشونت



Federal Ministry for
Family Affairs, Senior Citizens,
Women and Youth

Federal Ministry
of Justice and
Consumer Protection

حمایت بیشتر در موارد خشونت خانگی

اطلاعاتی در باره قانون حمایت در برابر خشونت

فهرست مندرجات

- 6 خشونت خانگی: یک معضل اجتماعی
- 7 قربانیان خشونت خانگی از چه حمایت قانونی برخوردارند؟
- 9 قانون حمایت در برابر خشونت، تنظیم کننده چه مواردی است؟
- 10 دادگاه صالح کدام دادگاه است؟
- 10 واگذاری منزل: فرد مرتکب خشونت میرود، قربانیان میتوانند بمانند
- 12 مصوبات حمایتی
- 13 چه ادله ای برای اثبات جرم وجود دارد؟
- 14 مصوبات حمایتی فوری
- 15 تصمیمات دادگاه چگونه به اجرا در میآید؟
- 16 در صورت تخطی از مصوبات دادگاه، چه اتفاقی میافتد؟
- 16 آیا داشتن وکیل دعاوی الزامی است؟
- 17 وظیفه اطلاع رسانی دادگاه
- 17 در صورتی که کودکان مورد خشونت قرار گرفته باشند، چه خواهد شد؟
- 18 صدور مصوبه بر طبق قانون حمایت در برابر خشونت، چه تأثیری بر حق حضانت و تماس و ملاقات با فرزندان دارد؟
- 19 در موارد مربوط به اتباع خارجی چه خواهد شد؟

- آیا مصوبات صادر شده بر طبق قانون حمایت در برابر خشونت،
 20 در خارج از کشور نیز از قربانیان خشونت، حمایت میکند؟
- آیا با وضع قانون حمایت در برابر خشونت، نیازی به خانه های زنان نیست؟
 21
- اگر قربانی خشونت خانگی باشید، چه مرجعی به شما کمک میکند؟
 22
- پیوست
 23
 قانون حمایت مدنی در برابر خشونت و تعقیب و مزاحمت پیگیرانه (استالکینگ)
 (قانون حمایت در برابر خشونت)
Gesetz zum zivilrechtlichen Schutz vor Gewalttaten und Nachstellungen
 23 (Gewaltschutzgesetz – GewSchG)
- بخشهای منتخب قانون مدنی (Bürgerliches Gesetzbuch (BGB)
 27
- بخشهای منتخب قانون مجازات کیفری (Strafgesetzbuch (StGB)
 29
- بخشهای منتخب قانون اقامت (Aufenthaltsgesetz (AufenthG)
 30

خشونت خانگی: یک معضل اجتماعی

خشونت جسمی و روحی غالباً در محیط اجتماعی بسته و خصوصی صورت میگیرد، یعنی "در منزل" و متأسفانه برای بسیاری از قربانیان بخشی از زندگی روزمره است. خشونت علیه زنان، عمدتاً توسط شریک زندگی فعلی یا قبلی آنان اعمال میشود. حدود ۲۵ درصد زنان در سنین ۱۶ تا ۸۵ سالگی در روابطشان، تجربه خشونت داشته اند. در صورت تقسیم بندی بر مبنای شدت خشونت انجام شده، دو سوم زنانی که مورد خشونت خانوادگی قرار گرفته اند، مورد خشونت شدید تا خیلی شدید جسمی و/ یا جنسی و یک سوم آنان مورد خشونت جسمی خفیف تا متوسط قرار گرفته اند. این ارقام نتیجه تحقیقی نمونه است با عنوان "وضعیت زندگی، امنیت و سلامت زنان در آلمان" که به سفارش وزارت فدرال خانواده، سالمندان، زنان و جوانان انجام و در سال ۲۰۰۴ منتشر شده است. این تحقیق نشان میدهد که خشونت در کلیه قشرها و قومیت‌های مختلف اتفاق میافتد. زنان در مراحل مختلف جدایی، در معرض خطر بسیار بالای خشونت میباشند.

از ماه مارس ۲۰۱۴ نتایج تحقیق نمونه جدیدی توسط آژانس حقوق بنیادی اروپائی درباره ابعاد خشونت علیه زنان در اروپا، در دسترس قرار گرفته است. این تحقیق نشان میدهد که ابعاد خشونت علیه زنان در آلمان همچنان بسیار گسترده است. در پی پرسش از زنان در سنین ۱۸ تا ۷۴ ساله، حدود ۲۲ درصد آنان اظهار کردند در رابطه با شریک زندگی خود، مورد خشونت جسمی و/ یا جنسی قرار گرفته اند. بنابراین بایستی حمایت از قربانیان - لاقول زنان و کودکان - را از طریق سیستم حمایتی گسترده تضمین نمود. نتیجه دیگر این تحقیق اتحادیه اروپا، مسئله ای است هشداردهنده، زیرا بر این اساس، دو سوم قربانیان زن به پلیس مراجعه نمیکند و از نهاد دیگری نیز کمک نمیگیرند. این مشکل در آلمان نیز پدیده ای آشنا است. قربانیان به دلیل شرم و یا ترس از مرتکب خشونت، غالباً سکوت میکنند و به نهادهای دولتی اعتماد ندارند. وزارت خانواده، سالمندان، زنان و جوانان در ماه مارس ۲۰۱۳ تلفن کمک رسانی "خشونت علیه زنان" در سراسر آلمان به شماره ۰۱۶ ۰۱۶ ۰۸۰۰۰ را راه اندازی کرده است تا به ویژه دسترسی این دسته از زنان به کمک، تسهیل شود. این شماره تلفن نهادی دائمی است و به زنانی که مورد انواع خشونت قرار گرفته اند، مشاوره تخصصی به صورت ناشناس، ۲۴ ساعته و ۳۶۵ روز در سال و چندزبانه ارائه میدهد که بلامانع در دسترس است و زنان در صورت نیاز، به سیستم کمک رسانی در محل، معرفی میشوند. در حال حاضر در آلمان حدود ۴۰۰ خانه زنان، منازل حفاظت از زنان و ۸۰۰ مرکز تخصصی مشاوره در موارد خشونت علیه زنان وجود دارد.

در موارد اعمال خشونت در منزل از سوی شریک زندگی، همواره کودکانی که در منزل زندگی میکنند نیز، حتی اگر به خودشان مستقیماً صدمه وارد نشود، از خشونت رنج میبرند. دیدن خشونت یکی از والدین علیه دیگری، بر رشد روانی کودکان، تأثیر میگذارد. تحقیق نمونه در

باره خشونت علیه زنان در آلمان، نشان داد که زنانی که در کودکی و نوجوانی شاهد درگیری جسمی والدین خود بودند، بعدها بیش از دوبرابر بیشتر از زنانی که در کودکی فاقد این تجربه بودند، مورد خشونت شریک زندگی یا شریک قبلی خود قرار گرفتند. حتی زنانی که در کودکی و نوجوانی، توسط مربیان خود، مستقیماً مورد خشونت قرار گرفته بودند، در بزرگسالی سه برابر بیشتر از زنان دیگر مورد خشونت شریک زندگی خود قرار گرفتند. این نتایج را بایستی در بخش حمایت از کودکان و نوجوانان مدنظر قرار داد.

برای خشونت خانگی، دلیل مشخصی وجود ندارد، بلکه مجموعه شرایط فردی-شخصی و اجتماعی منجر به این امر میشود. عدم برابری جنسیتی در جامعه ما که همراه با نقشهای کلیشه ای است، نقش ویژه ای در اعمال خشونت علیه شریک زندگی دارد.

قربانیان خشونت خانگی از چه حمایت قانونی برخوردارند؟

کسی که در منزل کتک بخورد، نیاز به کمک دارد. کمک میتواند در وهله نخست، به صورت گفتگو در مورد امکانات حمایتی مختلف باشد که مؤسسات ویژه کمک، مانند مراکز تخصصی مشاوره، خانه های زنان و یا شماره تلفن کمک رسانی در موارد خشونت علیه زنان در سراسر آلمان در اختیار میگذارند. پلیس در شرایط خطرناک و حاد، کمک میکند و موظف است، بلافاصله پس از دریافت درخواست کمک اضطراری تلفنی، در محل حاضر شود. مأموران پلیس مراتب را به صورت گزارش، تنظیم و در صورت درخواست دادگاه (دادگاه کیفری یا دادگاه مدنی)، گزارش مربوطه را ارائه میدهند. هیچکس نباید در صورت بروز درگیری خشونتبار در خانواده، از اطلاع دادن به پلیس خجالت بکشد. پلیس باید در صورت ارتکاب عمل مجرمانه، مانند ایراد ضرب و جرح، اعمال زور، تجاوز و یا حبس کردن، **اعلام جرم** کند. در صورتی که از پلیس خواسته شود به محل ارتکاب جرم بیاید، پلیس ضمن حضور در محل، اعلام جرم را ثبت و تحقیقات مربوطه را انجام میدهد. البته قربانیان میتوانند به اداره پلیس مراجعه و در آنجا نیز اعلام جرم کنند.

این اعلام جرم در قالب یک پرونده کیفری به دادستانی مربوطه ارسال میشود تا دادستانی در باره اقامه دعوی تصمیم گیری کند.

پلیس میتواند در صورت لزوم و به منظور حمایت از سایر ساکنین منزل، ورود شخص به منزل مسکونی و اطراف منزل مسکونی را ممنوع کند. در این صورت پلیس باید محدوده ممنوعه را مشخص کند و به فرد مرتکب خشونت اطلاع دهد که اجازه حضور در این محدوده را ندارد. در اکثر ایالتهای آلمان، پلیس میتواند شخص مرتکب خشونت را به طور موقت دستگیر کند تا عدم حضور او در منزل محقق شود.

در صورتی که پلیس ممنوعیت ورود شخص مرتکب خشونت به منزل را ضروری تشخیص دهد، معمولاً کلید منزل را از او میگیرد و صبر میکند تا او وسایل شخصی مورد نیاز خود را جمع آوری کند. پلیس میتواند در صورت خودداری شخص مرتکب خشونت از ترک داوطلبانه منزل، به زور متوسل شود.

پلیس در بعضی از ایالتها، مطابق قانون مؤکداً مجاز است "ممنوعیت ورود به منزل" را حتی برای مدت چند روز نیز مقرر کند، تا قربانیان بتوانند در طول این مدت، از خدمات مشاوره استفاده کنند و در صورت لزوم از طریق قوانین مدنی، اقدامات لازم را جهت صدور مصوبات حمایتی توسط دادگاه انجام دهند. درخواست صدور مصوبات حمایتی باید بلافاصله به دادگاه خانواده ارائه شود تا فاصله ای میان اقدامات حمایتی پیش نیاید، زیرا ممنوعیت ورود به منزل صادره توسط پلیس، منحصرأً به مدت چند روز معتبر است. در برخی از قوانین ایالتی پلیس، پیش بینی شده است که شخص مرتکب خشونت نشانی مشخص و یا نام شخصی را اعلام کند که از سوی وی مجاز به دریافت ابلاغیه باشد، تا ابلاغ قانونی مصوبه های حمایتی امکانپذیر باشد.

فرد قربانی خشونت، میتواند علاوه بر دعوی کیفری و یا به جای دعوی کیفری، از **امکانات حمایتی قوانین مدنی** نیز برخوردار شود و موارد زیر را درخواست کند

مصوبات حمایتی

واگذاری منزل

پرداخت خسارت و غرامت به دلیل صدمه جسمانی

مصوبه دادگاه در زمینه حق حضانت کودکان مشترک

محدودیت و یا منع حق تماس و ملاقات با فرزندان

مصوبات حمایتی و واگذاری منزل، به منزله حمایتهای پیشگیرانه به منظور جلوگیری از خشونتهای بعدی، موضوع قانون حمایت در برابر خشونت (Gewaltschutzgesetz – GewSchG) است. با این اقدامات میتوان مانع تماس فرد مرتکب خشونت با قربانی شد که غالباً برای پایان دادن به شرایط خطرناک و حاد، غیرقابل صرف نظر است. بدین ترتیب قربانیان میتوانند در آرامش، راهی برای امنیت بلندمدت خود بیابند و به دنبال حمایتی باشند که آنان را از چرخه خشونت رها کند. دولت نیز - شاید برای نخستین بار - به فرد مرتکب خشونت نشان میدهد که رفتارش به هیچ وجه منطبق با قانون نیست و باید فعالانه سعی کند بحرانیها را از راهی به غیر از خشونت، حل کند.

قانون حمایت در برابر خشونت، تنظیم کننده چه مواردی است؟

این قانون از قربانیان خشونت خانگی حمایت میکند که پیش از هر چیز به صورت فراهم آوردن امکان استفاده قربانی خشونت از منزل مسکونی خودش است، بدون آنکه مجبور باشد با مرتکب خشونت، زیر یک سقف زندگی کند. دادگاه خانواده بنا به درخواست قربانی، تصمیمات مربوطه را اتخاذ میکند. این قانون به نفع کلیه کسانی است که قربانی خشونت میشوند اعم از آن که خشونت در یک رابطه زوجیتی (از جمله رابطه زوجیتی همجنسگرایانه) یا علیه سایر اعضای خانواده، اعمال شده باشد.

قانون حمایت در برابر خشونت، در کلیه موارد نافذ است، به جز مواردی که کودکان توسط والدین خود مورد اذیت و آزار قرار گیرند. در اینگونه موارد، مقررات ویژه حقوق کودکان و قیمومت و تصمیمات دادگاه خانواده نافذ است و اداره کودکان و نوجوانان (یوگند آمت) نیز مطلع میشود. (مقایسه کنید با صفحه ۲۱ و صفحات بعد از آن)

اما قانون حمایت در برابر خشونت فقط در مورد زن و شوهرها، زوجهای مطلقه، شرکای زندگی و یا زندگی مشترک غیر مزدوج نیست، بلکه به طور کلی در مورد کلیه افرادی است که قربانی خشونت و یا تهدید به خشونت شده اند. شمول این قانون مستلزم وجود رابطه نزدیک میان مجرم و قربانی نیست. به طور کلی قانون حمایت از خشونت شامل مواردی هم میشود که شخصی به دلیل سن، بیماری روانی و یا معلولیت جسمی، ذهنی یا روحی در محیط محفوظی مانند خانه سالمندان، مرکز مراقبت و یا مؤسسه معلولان زندگی کند. معلولیت ها و محدودیت های ناشی از سن میتواند باعث افزایش احتمال اعمال خشونت شود. این مسئله از جمله توسط تحقیق نمونه "وضعیت زندگی و مشکلات زنان دارای معلولیت و محدودیت در آلمان" نشان داده شد (در سال ۲۰۱۲ به سفارش وزارت فدرال خانواده، سالمندان، زنان و جوانان انجام شد). در چنین مراکز، قانون حمایت در برابر خشونت اساساً قابل اجرا است، اعم از آنکه خشونت از سوی یکی دیگر از ساکنان مؤسسه و یا شخص ثالث دیگری اعمال شده باشد.

تعریف خشونت در قانون حمایت در برابر خشونت، عبارت است از ایراد کلیه انواع صدمات عمدی و غیرقانونی به جسم، سلامتی و یا آزادی فردی دیگر، اعم از آنکه ارتکاب جرم در داخل منزل مسکونی مشترک و یا خارج از آن انجام شده باشد. قانون حمایت در برابر خشونت، خشونت روانی را نیز به طور مستقیم و مشخص در موارد تهدید و یا مزاحمتهای تحمل ناپذیر و به طور مع الواسطه در موارد منجر به صدمات روحی و یا جسمی به سلامتی فرد، در بر میگیرد.

دادگاه صالح کدام دادگاه است؟

دادگاه صالح همواره دادگاه خانواده است، که شعبه ویژه ای در دادگاه شهر (آمتس گریشت) میبشد.

روند دادرسی با ارائه درخواست شخص خشونت دیده آغاز میشود و این شخص میتواند درخواست را بنا به انتخاب خود، به دادگاه محلی ارائه دهد که در آن :

جرم صورت گرفته است،

منزل مسکونی مشترک طرفین دعوا قرار دارد، یا

محل سکونت خوانده است.

دادرسی بر اساس اصول صلاحیت قضائی دادگاه هائی با شرایط ویژه دادرسی (freiwillige Gerichtsbarkeit)، انجام میشود یعنی دادگاه باید، بنا بر مسئولیت خود و برای مشخص نمودن واقعیاتی که منبای تصمیم گیری خواهد بود، تحقیقات کیفی لازم را انجام دهد. علاوه بر آن دادگاه میتواند مصوبه ای منطبق با وضعیت مخاطره موجود، صادر کند که متفاوت با مصوبه مورد درخواست باشد. این امر به دادگاه امکان بیشتری برای درنظرگرفتن ویژگیهایی میدهد که در بخشهای حساس زندگی افراد وجود دارد.

واگذاری منزل: فرد مرتکب خشونت می‌رود، قربانیان میتوانند بمانند

نکته اصلی قانون حمایت در برابر خشونت، مقررات واگذاری منزل است. در صورتی که فرد مرتکب خشونت و قربانی خشونت، به طور دائم در منزل مشترکی زندگی کنند، فرد مصدوم میتواند حتی در شرایطی که مثلاً قرارداد اجاره هم نداشته باشد، حداقل برای مدتی مشخص، به تنهایی در منزل مشترک زندگی کند. این حق در صورت ایراد صدمه توسط شخص مرتکب خشونت، به جسم، سلامتی و یا آزادی قربانی، بدون هیچ پیش شرط دیگری وجود دارد. اما اگر قربانی منحصراً تهدید به این خشونتها شده باشد، باید شرح داده شود که به چه دلیل واگذاری منزل مسکونی ضرورت دارد تا از عسر و حرج شدید جلوگیری شود.

سکونت در منزل مسکونی مشترک به تنهایی، منحصراً در شرایطی میتواند راه حل دائم باشد که قربانی به تنهایی، محق به استفاده از منزل باشد، مثلاً در صورتی که مالک منزل باشد و یا در قرارداد اجاره، فقط نام قربانی به عنوان مستأجر درج شده باشد. در مواردی که هر دو طرف به طور مشترک و یا فقط فرد مرتکب خشونت، محق به سکونت در منزل باشند، میتوان منزل را فقط برای مدت معینی به قربانی خشونت واگذار کرد. در صورتی که شخص مرتکب خشونت - و نه قربانی - به تنهایی (یا به طور مشترک) مجاز به سکونت در منزل

باشد، مدت زمان واگذاری منزل مشترک به قربانی حداکثر شش ماه خواهد بود. دادگاه میتواند در صورتی که قربانی در این مدت موفق به یافتن منزل دیگری نشود، این مهلت را حداکثر به مدت شش ماه دیگر تمدید کند.

در صورتی که قربانی، حق استفاده از منزل مشترک را نداشته باشد و یا دارای حق مشترک سکونت به همراه فرد مرتکب خشونت باشد، باید در صورت برحق و متناسب بودن، برای مدت استفاده از منزل، مبلغی پرداخت نماید. این مبلغ با توجه به میزان اجاره تعیین میشود، اما لزوماً برابر با میزان اجاره منزل نخواهد بود. شخص مرتکب خشونت نباید در طول این مدت کاری در جهت اخلال در سکونت قربانی، انجام دهد.

فرد مرتکب خشونت در طول مدت (محدود) استفاده قربانی از منزل، باید محل اقامت دیگری بیابد که در صورت لزوم، ادارات بخش محل سکونت، به وی کمک خواهند نمود.

شرط واگذاری منزل آن است که شخص مصدوم، طی مدت سه ماه پس از ارتکاب جرم، کتباً از مرتکب خشونت بخواهد منزل را واگذار کند. این مهلت به قربانی فرصت میدهد، تا برایش روشن شود که آیا مایل است، فعلاً به سکونت در منزل مشترک ادامه دهد. زانی هم که به خانه زنان پناه برده باشند، میتوانند به منزل خود بازگردند.

در صورتی که شخص مرتکب خشونت و قربانی، ازدواج کرده باشند، امکان تمدید مدت واگذاری منزل مشترک برای کل مدت جدایی موضوع بند ب ماده ۱۳۶۱ قانون مدنی آلمان (BGB)، تا زمان طلاق وجود دارد مشروط به آن که ادامه سکونت فرد مرتکب خشونت در منزل مسکونی مشترک به معنای "عسر و حرج شدید (unbillige Härte)" باشد. در متن قانون صریحاً اشاره شده است که مختل شدن صلاح و آسایش کودکانی که در منزل زندگی میکنند، میتواند مصداق عسر و حرج شدید باشد. در مورد خشونت خانگی - که در این مورد تهدید به خشونت کافی است - بایستی کل منزل مسکونی واگذار شود. واگذاری بخشی از منزل که مطابق بند ب ماده ۱۳۶۱ قانون مدنی، در سایر موارد به عنوان "راه حل معتدل" انتخاب میشود، معمولاً در موارد ارتکاب خشونت علیه همسر در نظر گرفته نمیشود، زیرا قربانی را به خطر میاندازد. در صورتی که فرد مرتکب خشونت، همچنان بخواهد از منزل استفاده کند، در زمان پس از طلاق نیز میتوان منزل مشترک را واگذار نمود (بند الف ماده ۱۵۶۸ قانون مدنی).

مطابق مواد ۱۴ و ۱۷ قانون شراکت زندگی (Lebenspartnerschaftsgesetz) شرایط قانونی برای زوجیهایی که شراکت زندگی خود را ثبت کرده اند، نیز مشابه متأهلین است.

هنگام واگذاری منزل مسکونی، باید همواره بررسی شود که آیا برای امنیت بیشتر قربانی، نیازی به افزودن مصوبات حمایتی گسترده تر، مانند ممنوعیت تماس و یا نزدیک شدن، وجود دارد یا خیر. به ویژه در بسیاری از موارد، اضافه کردن ممنوعیت ورود به منزل، توصیه میشود.

مصوبات حمایتی

دادگاه میتواند برای حمایت از قربانی، مصوبات گسترده تری علیه فرد مرتکب خشونت صادر کند. ممنوعیتهای زیر مثالهایی برای تمهیدات حمایتی است:

برای فرد مرتکب خشونت ممنوع شود،

که به منزل قربانی، از محدوده ای که توسط دادگاه مشخص شده است، نزدیکتر شود،

که در مکانهایی حضور یابد، که قربانی به طور مستمر حضور دارد (از جمله محل کار، کودکستان و یا مدرسه فرزندان قربانی و همچنین مؤسسات تفریحی که قربانی از آن استفاده میکند)،

که با شخص مصدوم تماس بگیرد (که شامل کلیه انواع تماس میشود، شامل تلفن، فاکس، نامه یا ایمیل)،

که با قربانی دیدار کند (در صورتی که دیدار دست دهد، فرد مرتکب خشونت، باید بلافاصله محل را ترک کند).

البته موارد فوق، فهرست کلیه موارد نیست و بسته به شرایط، امکان درخواست و صدور مصوبات حمایتی دیگری نیز وجود دارد. مصوبات حمایتی بایستی به طور جامع و کامل به نحوی صادر شود که کلیه موقعیتهای خطرناک و تهدیدآمیز برای قربانی را در بر گیرد. به عنوان مثال هنگام صدور مصوبه ممنوعیت تماس و نزدیک شدن، باید کلیه موقعیتهای مکانهای مورد استفاده قربانی در خارج از خانه (مانند محل کار، کودکستان، مدرسه، خرید، اوقات فراغت) در نظر گرفته شود. این تمهیدات به طور متعارف موقت، اما بنا به درخواست قابل تمدید است.

مصوبات حمایتی تنها در مواقعی صادر نمیشود که خشونت (ایراد صدمه جسمانی، صدمه به سلامتی و یا آزادی) انجام شده است، بلکه در صورتی که تهدید به ارتکاب خشونت، به طور جدی صورت گرفته باشد نیز امکان پذیر است. ضمناً شخص مرتکب خشونت نمیتواند خود را با این دستاویز تپره کند که جرم یا تهدید را تحت تأثیر الکل انجام داده است زیرا در این

صورت نیز مسئول کارهائی میباشد که مرتکب شده است و دادگاه، علیه این شخص مصوبات حمایتی صادر خواهد کرد.

مصوبات حمایتی را نه فقط در موارد خشونت خانگی، بلکه در صورت تجاوز به حریم خانه و برخی مزاحمت‌های غیرقابل تحمل به صورت تعقیب و مزاحمت‌های پیگیر ("استالکینگ") نیز میتوان صادر نمود. "استالکینگ" به معنای یک سلسله شیوه های رفتاری است: مثلاً تعقیب و تحت نظر داشتن مکرر یک شخص، حضور عامدانه شخص مرتکب خشونت در نزدیکی قربانی، تعقیب "فیزیکی" یا نزدیک شدن، تلاش برای برقراری تماس، ترور تلفنی، پیام گذاری مستمر توسط فاکس، اینترنت یا تلفن همراه و یا سفارش پی در پی اجناس و خدمات به نام قربانی.

از سال ۲۰۰۷ مطابق ماده ۲۳۸ قانون مجازات کیفری (StGB)، چنین مزاحمت‌های پیگیرانه و غیرمجاز، به صورت تلاش مستقیم یا غیرمستقیم برای نزدیک شدن به قربانی، قابل مجازات کیفری است. البته از هنگام تصویب قانون بهبود حمایت در برابر تعقیب و مزاحمت پیگیرانه یا استالکینگ (Gesetz zur Verbesserung des Schutzes gegen Nachstellungen) مصوب ۱۰ مارس ۲۰۱۷، در صورتی که اعمال ارتكابی مجرم به طور عینی، قابلیت مختل کردن محسوس زندگی قربانی را داشته باشد، دیگر برای مجازات مجرم، نیازی نیست که مختل شدن زندگی قربانی، به صورت واقعی قابل اثبات باشد.

چه ادله ای برای اثبات جرم وجود دارد؟

در جریان دادرسی، دادگاه بنا بر وظیفه قانونی خود، تحقیقاتی در زمینه واقعیتهای مؤثر در تصمیم گیری، انجام میدهد. این تحقیقات غالباً دشوار است زیرا در موارد ارتكاب جرم در داخل منزل، در اکثر اوقات شاهدهی وجود ندارد و صدمات جسمانی ناشی از اذیت و آزار نیز همیشه قابل مشاهده نیست. در صورتی که قربانی مورد تهدید، تعقیب یا مزاحمت قرار گیرد نیز مراتب به آسانی قابل اثبات نیست. دادگاه در بسیاری اوقات منحصراً بر اساس اظهارات و توصیفهای خواهان، تصویری از وضعیت به دست میاورد و مبنای تصمیم گیری دادگاه، اظهارات اشخاصی است که مورد خشونت قرار گرفته اند. دادگاه میتواند از طریق روش دادرسی موسوم به دادرسی با استفاده آزادانه از انواع ادله جرم (مثلاً از طریق کسب اطلاعات تلفنی) و یا مطابق مقررات رسمی اقامه مدارک اثبات جرم، عمل نماید. دادگاه میتواند مطابق آئین دادرسی مدنی (Zivilprozessordnung – ZPO)، هنگام اقامه رسمی مدارک جرم، از شاهدان و یا طرفین، بازجوئی کند و بخواهد که اسنادی (مانند گواهی پزشک و گزارش پلیس) به دادگاه ارائه شود، گزارش کارشناسی تهیه شود و یا آنکه آثار خشونت مورد ملاحظه قرار گیرد.

دادگاه باید در جریان دادرسی اصلی، که بر عکس دادرسی اولیه جهت صدور مصوبه موقت، فقط جنبه موقت ندارد (مقایسه کنید با موارد زیر)، متقاعد شود که خشونت و یا اشکال دیگر تعدی انجام شده است و شک و تردید معقولی در ارتکاب جرم نیست.

در صورتی که صدور مصوبات حمایتی و یا واگذاری منزل، فقط در صورتی ممکن باشد که خطر ادامه خشونت وجود داشته باشد، اصل زیر برای اثبات جرم، مفید خواهد بود: اگر یکبار خشونت اعمال شده باشد، احتمال ارتکاب خشونت‌های بعدی به طور واقعی وجود دارد. در این صورت باید فرد مرتکب خشونت اثبات کند که چنین احتمالی وجود ندارد که این امر با شروط بسیاری همراه است: به طور معمول، تنها قول دادن مرتکب خشونت به عدم اعمال خشونت در آینده، کافی نیست.

مصوبات حمایتی فوری

در موارد خشونت خانگی، غالباً خطر به طور مستمر وجود دارد و به ویژه در شرایطی افزایش مییابد که قربانی از فرد مرتکب خشونت جدا شود و یا بخواهد جدا شود. مدت زمان لازم برای دادرسی متعارف توسط دادگاه، تناسبی با نیاز عاجل قربانی به حمایت بیشتر، ندارد. به این دلیل قربانی میتواند در صورتی که نیاز فوری به تصمیم دادگاه داشته باشد، درخواست صدور مصوبه موقت حمایت در برابر خشونت را به دادگاه ارائه کند. این امر معمولاً زمانی انجام میشود که یا خشونت انجام شده است و یا به دلیل شرایط مشخص، احتمال انجام خشونت قریب به یقین است. در این صورت دادگاه میتواند و باید در اسرع وقت تصمیم موقتی برای حمایت از قربانی خشونت اتخاذ کند.

جریان دادرسی جهت صدور مصوبه موقت، روندی مستقل است و تابع به جریان انداختن دادرسی اصلی نیست.

در مقایسه با دادرسی اصلی، ویژگیهای زیر وجود دارد:

دادگاه میتواند در موارد بسیار فوری، از استماع اظهارات خواننده صرف نظر کند. برای این منظور بایستی هنگام ارائه درخواست، کلیه خطرهایی که از سوی مرتکب خشونت انتظار میرود، با حداکثر دقت ممکن تشریح شود تا نظر دادگاه به فوریت و حساسیت وضعیت جلب شود.

هدف از صدور مصوبه موقت، جلوگیری از ارتکاب خشونت که تهدید به انجام آن شده است، ادامه خشونت و یا وارد شدن زیان قابل ملاحظه به خواهان است. اتهام ارتکاب خشونت باید به نحو موثقی ارائه شود. به این معنا که دادگاه باید

یقین حاصل کند اذیت و آزار، تهدید، مزاحمت و یا تعقیب، به احتمال بسیار زیاد انجام شده است. برای موثق بودن این احتمال، معیار مشخصی تعیین نشده است. به طور معمول کافی است که موقوف به طور منسجم، با ذکر جزئیات و حتی المقدور با ذکر دقیق محل و زمان ارتکاب جرم، به صورت اظهارنامه به قید سوگند، تنظیم شود. ارائه گواهی پزشکی و گزارش پلیس نیز به حصول یقین کمک میکند.

در صورتی که مصوبه موقتی بدون برگزاری جلسه استماع شفاهی صادر شده باشد، خواننده میتواند درخواست انجام دادرسی با استماع شفاهی و تصمیم گیری مجدد را به دادگاه ارائه دهد.

در صورتی که پس از صدور مصوبه موقت یکی از طرفین یا هر دو، درخواست آغاز دادرسی اصلی را بنمایند، دادگاه موظف به انجام این کار است.

اعتراض علیه مصوبه موقت تنها در صورتی امکانپذیر است که تصمیم دادگاه بر اساس جلسه استماع شفاهی صادر شده باشد. در صورتی که تصمیم دادگاه بدون برگزاری جلسه استماع شفاهی انجام شده باشد، دادگاه باید در صورت درخواست یکی از طرفین، دادرسی با استماع شفاهی را انجام و مجدداً تصمیم گیری کند.

تصمیمات دادگاه چگونه به اجرا در میآید؟

انجام مصوبه واگذاری منزل و مصوبات حمایتی نیز همانند (تقریباً) کلیه تصمیمات دادگاه، میتواند به اجبار انجام شود (یعنی به اجرا گذاشته شود). نحوه اجرا به صورتی است که مصوبه دادگاه به منظور حمایت در برابر خشونت، سریع و به آسانی اجرا شود و نیازهای ویژه قربانی نیز مورد توجه قرار گیرد.

در موارد فوری میتوان اعلام کرد که اجرای مصوبه، پیش از ابلاغ رسمی به خواننده، جایز است تا از ارتکاب خشونت جدید، بر اثر ابلاغ تصمیم دادگاه، جلوگیری شود.

مأمورین اجرای احکام دادگستری، مسئولیت اجرای مصوبه حمایتی را برعهده دارند و میتوانند تصمیم دادگاه را به اجبار و با کمک مستقیم پلیس، به اجرا درآورند.

وظیفه واگذاری منزل مسکونی را میتوان بر اساس مقررات اجرای احکام تخلیه منزل به اجرا درآورد. اجرای احکام تخلیه منزل نیز، با اجبار انجام میشود تا تخلیه منزل، به فوریت انجام شود.

در صورت تخطی از مصوبات دادگاه، چه اتفاقی میافتد؟

در صورتی که از مصوبات دادگاه، تخطی شود، فرد مصدوم به صورت زیر مورد حمایت قرار میگیرد:

مصوبه موقت واگذاری منزل را میتوان در طول مدت اعتبار مصوبه، به دفعات به اجرا گذاشت. بنابراین در صورتی که شخص مرتکب خشونت به منزل مسکونی بازگردد، میتوان تخلیه منزل را به طور "مکرر" به اجرا گذاشت.

هر بار که مصوبه موقت حمایتی مورد تخطی قرار گیرد، قربانی میتواند مستقیماً مأمور اجرای دادگاه را مأمور کند، مصوبه حمایتی را حتی در صورت مقاومت مجرم و در صورت لزوم با کمک پلیس به اجرا بگذارد.

در این صورت امکان دارد متهم به طور همزمان، در چهارچوب اجرای مصوبه، به جرمه نقدی و یا بازداشت انضباطی نیز محکوم شود.

بعلاوه تخطی از مصوبات حمایتی دادگاه، جرم محسوب میشود و مجازات آن میتواند مجازات نقدی و یا زندان به مدت حداکثر یک سال باشد. در صورت تهدید به تخطی از مصوبه حمایتی دادگاه و یا انجام تخطی، میتوان به پلیس اطلاع داد زیرا پلیس موظف به ممانعت از جرم است. با تصویب قانون بهبود حمایت در برابر تعقیب و مزاحمت پیگیرانه (استالکینگ) مصوب ۱۰ مارس ۲۰۱۷، تخطی از توافقاتی که بر اثر مصالحه حاصل شده است نیز قابل مجازات است، البته در صورتی که دادگاه مصالحه را تأیید نموده باشد. دادگاه، در صورتی مصالحه و توافق میان دو طرف را تأیید میکند که اقدامات حمایتی مورد توافق، به صورت مصوبه حمایتی دادگاه برای حمایت در برابر خشونت نیز قابل صدور باشد.

آیا داشتن وکیل دعاوی الزامی است؟

مطابق قانون، نیازی به داشتن وکیل نیست. قربانی میتواند درخواست مربوطه را کتباً ارائه دهد و یا به دفتر دادگاه مربوطه، شفاهماً اعلام کند تا توسط دفتر دادگاه، صورتجلسه شود. اما در موارد پیچیده، که لازم است مسائل حقوقی دیگری نیز روشن شود، داشتن وکیل، توصیه میشود. در صورتی که متقاضی از درآمد کافی برخوردار نباشد، امکان درخواست کمک هزینه مشاوره و یا کمک هزینه دادرسی نیز وجود دارد.

وظیفه اطلاع رسانی دادگاه

دادگاه طی دادرسیهای مربوط به حمایت در برابر خشونت، مصوبات صادره بر اساس قانون حمایت در برابر خشونت، تغییرات انجام شده، فسخ این مصوبات و همچنین مصالحه تأیید شده توسط دادگاه را به اطلاع اداره پلیس مربوطه میرساند. در صورتی که مصوبه صادره، مشمول مراجع دولتی دیگری، مانند مدرسه، کودکان و نوجوانان و نوجوانان نیز باشد، دادگاه باید این مراجع را نیز از تصمیمات صادره، مطلع کند تا عدم آگاهی مراجع مربوطه، منجر به عدم اجرای مصوبات صادره و یا بروز اشکال در اجرای مصوبات نشود.

در صورتی که کودکان مورد خشونت قرار گرفته باشند، چه خواهد شد؟

بسیاری از اوقات کودکان نیز در معرض خشونت خانگی قرار میگیرند. کودکان، یا خودشان قربانی اذیت و آزار میشوند و یا ناچارند ناظر اذیت و آزار اشخاص دیگر -مثلاً مادرشان- باشند که هر دو شکل تجربه خشونت، عواقب زیانباری به دنبال دارد. اما قانون حمایت در برابر خشونت در مورد کودکان، در ارتباط با والدین و سرپرستان قانونی نافذ نیست، بلکه به جای آن مقررات حمایتی حقوق کودکان اعمال میشود: دادگاه خانواده مربوطه میتواند مطابق وظیفه قانونی خود، هم در مورد کودکانی که والدینشان ازدواج کرده اند و هم در مورد کودکانی که والدینشان ازدواج نکرده اند، در صورت به خطر افتادن صلاح و آسایش جسمانی، روحی-روانی و یا اموال کودکان، و چنانچه والدینشان نتوانند و یا نخواهند مانع این مخاطرات شوند، از کودکان حمایت کند (ماده ۱۶۶۶ قانون مدنی).

دادگاه باید در دادرسیهای مربوط به حمایت از کودکان، بلافاصله نیاز به صدور مصوبات موقتی را مورد بررسی قرار دهد. در صورت وجود خطرات جدی برای کودک، میتوان مصوبات را بدون استماع طرفین صادر نمود. اگر افرادی به تنهایی یا به صورت گروهی و یا کارکنان مؤسسات، از وجود خطر خشونت خانگی برای کودکان اطلاع داشته باشند نیز میتوانند از دادگاه درخواست رسیدگی کنند و همچنین خود کودکان نیز میتوانند - در صورت لزوم با کمک شخص ثالثی - چنین درخواستی به دادگاه ارائه دهند. کودکان و نوجوانان حق دارند در شرایط بحرانی و اضطراری، از مشاوره توسط مراکز کمک به کودکان و نوجوانان استفاده کنند، بدون آن که والدین از گفتگوهای انجام شده مطلع شوند.

در دادرسیهای مربوط به قانون حمایت در برابر خشونت، در صورتی که در منزل محل ارتکاب خشونت، کودکانی زندگی کنند، بایستی اداره کودکان و نوجوانان (یوگند آمت) ذیربط، مورد استماع دادگاه قرار گیرد. در دادرسیهای مربوط به حمایت از کودکان، باید اداره کودکان و نوجوانان (یوگند آمت) همواره در دادرسی حضور داشته باشد تا در صورت لزوم امکان تأثیر گذاری این اداره بر صدور مصوبات و یا تصمیمات دادگاه، در جهت حفظ

منافع کودکان، تضمین شود. علاوه بر آن دادگاه میتواند برای کودک، وکیلی برای طول مدت دادرسی ("وکیل کودک") تعیین نماید که باید مصالح کودک را مشخص و در جریان دادرسی مطرح کند.

دادگاه خانواده باید اقدامات لازم را برای دفع خطر از صلاح و آسایش کودک انجام دهد. این اقدامات شامل طیف گسترده ای است از امکانات مختلف مانند اخطار، حکم انجام و ممنوعیت انجام، صدور مصوبه ممنوعیت تماس و حتی تا سلب حق تعیین محل سکونت کودک و حتی سلب کامل حق حضانت. در صورتی که امکان دفع خطر از راه دیگری امکان پذیر نباشد، میتوان پدر یا مادر و یا.

شخص ثالث دیگری مانند شریک زندگی مادر کودک را، که مرتکب خشونت شده است، از منزل طرد کرد (شماره ۳ بند ۳ ماده ۱۶۶۶ و بند ۱ ماده ۱۶۶۶ الف قانون مدنی).

اداره کودکان و نوجوانان (یوگند آمت) باید علاوه بر آن و در صورتی که کودکی در منزل زندگی کند، از تصمیمات متخذه در طول دادرسی، در زمینه واگذاری منزل در چهارچوب قانون حمایت در برابر خشونت، مطلع شود که در اینصورت میتواند مشاوره و کمک، مثلاً برای تعیین حق تماس و ملاقات با فرزند، ارائه کند.

صدور مصوبه بر طبق قانون حمایت در برابر خشونت، چه تأثیری بر حق حضانت و تماس و ملاقات با فرزندان دارد؟

صدور مصوبه برطبق قانون حمایت در برابر خشونت یا مصالحه و توافق مورد تأیید دادگاه در روند دادرسی حمایت در برابر خشونت، معمولاً بر تصمیمات متخذه در زمینه حق حضانت و تماس و ملاقات با فرزندان تأثیر دارد. مادر یا پدری که مورد خشونت شریک زندگی خود قرار گرفته است، بایستی در جریان دادرسی مطابق قانون حمایت در برابر خشونت، از جمله فکر کند که آیا لازم است درخواست کند حق حضانت و یا لاقل حق تعیین محل سکونت فرزند، به طور انحصاری به او منتقل شود تا فرزندش دیگر در معرض تجربه خشونت قرار نگیرد.

در صورتی که علیه یکی از والدین، تصمیماتی برطبق قانون حمایت در برابر خشونت گرفته شده باشد، در بسیاری از اوقات این پرسش مطرح میشود که آیا امکان ادامه تماس بین پدر یا مادر مرتکب خشونت، با فرزند خود، وجود دارد.

هر یک از والدین اساساً حق تماس و ملاقات با فرزند خود را دارد، اعم از آنکه والدین کودک ازدواج کرده باشند یا خیر. این مسئله حتی در صورتی که حق حضانت سلب شده باشد،

نیز صادق است. در مورد کلیه مصوبات دادگاه باید همواره به صلاح و آسایش کودک توجه شود. علاوه بر آن باید اطمینان حاصل شود که تماس و ملاقات با فرزند، منجر به اذیت و آزار و صدمه بیشتر به مادر یا پدری نشود، که در معرض خطر است. در صورتی که والدین به توافقی نرسند که در جهت صلاح و آسایش کودک باشد، دادگاه خانواده در باره میزان و نحوه برخورداری از حق تماس و ملاقات با فرزند تصمیم میگیرد. به عنوان مثال میتوان تمهیداتی در نظر گرفت که هنگام تحویل گرفتن و تحویل دادن فرزند، دیداری میان مرد و زن انجام نشود و نشانی جدید زن، مخفی بماند. دادگاه میتواند در صورتی که برای صلاح و آسایش کودک لازم باشد، حق تماس و ملاقات با فرزند را محدود و یا برای مدتی سلب کند. سلب یا محدودیت تماس و ملاقات با فرزند برای مدت طولانی یا به طور دائم فقط در صورتی امکانپذیر است که در غیر اینصورت صلاح و آسایش کودک در مخاطره باشد (بند ۴ ماده ۱۶۸۴ قانون مدنی). دادگاه میتواند در این موارد برای حمایت از کودک تصمیم بگیرد که ملاقات کودک فقط با حضور شخص ثالثی انجام شود (بند ۴ ماده ۱۶۸۴ قانون مدنی) که این شخص ثالث میتواند مثلاً یکی از کارکنان اداره کودکان و نوجوانان (یوگند آمت)، یا یکی از مؤسسات کمک رسانی به کودکان و نوجوانان و یا یک انجمن باشد. این روش، "تماس و ملاقات با حضور همراه" نامیده میشود. به این ترتیب دادگاه خانواده از جمله شرایطی فراهم می آورد که ملاقات با فرزندان در محلی بیطرف و در حضور فرد متخصص انجام شود.

در موارد مربوط به اتباع خارجی چه خواهد شد؟

قانون اتباع بیگانه

در صورتی که زن یا شوهری مورد خشونت قرار گیرد که دارای تابعیت کشور دیگری است و بخواهد از مرتکب خشونت جدا شود، این امر میتواند بر حق اقامتش مؤثر باشد. همسران خارجی که جهت الحاق به همسرشان به آلمان آمده اند، پس از گذشت سه سال از زندگی مشترک در خاک آلمان، دارای حق اقامت مستقل میشوند (شماره ۱، جمله ۱، بند ۱ ماده ۳۱ قانون اقامت (AufenthG)). در صورتی که جدایی پیش از این زمان انجام شود، امکان ادامه اقامت در آلمان فقط در صورتی امکان پذیر است که به منظور ممانعت از عسر و حرج ویژه باشد (بند ۲ ماده ۳۱ قانون اقامت). عسر و حرج ویژه در شرایطی است که نتوان از زن یا شوهر خارجی، انتظار داشت به زندگی مشترک با همسر خود، ادامه دهد، زیرا در صورت ادامه زندگی مشترک، وی و یا فرزندانش در معرض خشونت همسر قرار خواهند گرفت. بنابراین جدا شدن از همسر مرتکب خشونت در طول سه سال اول زندگی در آلمان، در صورتی که به همراه صدور مصوبه حمایتی و یا مصوبه واگذاری منزل، بر طبق قانون حمایت در برابر خشونت باشد، منجر به از دست دادن حق اقامت نخواهد شد. تصمیم دادگاه خانواده بایستی در هر صورت به اداره امور اتباع بیگانه ارائه شود، زیرا این تصمیم، مدرک مهمی برای تصمیم گیری در مورد مصداق داشتن عسر و حرج موضوع بند ۲ ماده ۳۱ قانون اقامت است. البته در این زمینه باید محدودیتی را در نظر گرفت: اجازه اقامت مستقل

قربانی خشونت فقط در صورتی صادر میشود که تهدید اقامت همسری که مرتکب خشونت شده است، غیرممکن نباشد و به عبارت دیگر چشم انداز مثبتی برای تهدید اعتبار مرتکب خشونت وجود داشته باشد. در صورتی که تهدید اقامت، مطابق بند ۲ ماده ۸ قانون اقامت امکان پذیر نباشد، یا در مواردی که هدف از اقامت، به صورت موقت است (مانند اقامت چهارساله برای اقامت به عنوان آشپز غذاهای خاص)، چنین چشم اندازی وجود ندارد. در چنین مواردی حتی اگر هم عسر و حرج مصداق داشته باشد، نمیتوان اقامت قربانی خشونت را از وضعیت حقوقی اقامت مرتکب خشونت - به عنوان دارنده اقامت (که قربانی به دلیل پیوستن به او دارای اقامت است) - جدا نمود. البته در صورت حصول شرایط قانونی مطابق بخش ۵، فصل ۲ (اقامت به دلایل بشردوستانه) امکان اعطای حق اقامت به قربانی وجود دارد.

قوانین مدنی

در گذشته بسیار مورد تردید بود که آیا در صورتی که قوانین مدنی کشور موطن، در باره رابطه حقوقی میان زوجین نافذ باشد (که در بسیاری از مواردی که هر دو طرف، تبعه کشور خارجی باشند، چنین است) و در آن کشور، مقرراتی برای واگذاری منزل به منظور حمایت از همسر مورد اذیت و آزار و یا خشونت، وجود نداشته باشد، اجرای قوانین آلمان مجاز است یا خیر. اما در حال حاضر قانون مشخصاً تصریح دارد که در زمینه مجوز استفاده از منزل مورد سکونت زوجین در آلمان و مقررات مربوط به ممنوعیت ورود، نزدیک شدن و برقراری تماس، در رابطه با این مجوز، قوانین آلمان نافذ است. (ماده ۱۷ الف قانون مقدمه قانون مدنی (Einführungsgesetzes zum Bürgerlichen Gesetzbuche - EGBGB))

آیا مصوبات صادر شده بر طبق قانون حمایت در برابر خشونت، در خارج از کشور نیز از قربانیان خشونت، حمایت میکنند؟

اساساً مصوبات قانون حمایت در برابر خشونت، فقط در داخل کشور از قربانیان خشونت، در مقابل مرتکب خشونت حمایت میکنند. اگر قربانی طی یک سفر تفریحی و در طول مرخصی، از سوی مرتکب خشونت، مورد تهدید قرار گیرد، مصوبه دادگاه آلمانی قادر به حمایت از او نیست. در چنین شرایطی میتوان توصیه نمود که در کشور محل اقامت، صدور مصوبه حمایتی بر مبنای قوانین این کشور، درخواست شود. البته وضعیت در کشورهای اروپایی عضو اتحادیه اروپایی به استثنای دانمارک متفاوت است. در این کشورها، مطابق آئین نامه اتحادیه اروپایی در باره پذیرش متقابل مصوبات حمایتی در موارد حقوق مدنی، مصوب ۱۱ ژانویه ۲۰۱۵ عمل میشود. بر مبنای این آئین نامه، مصوبات حمایت در برابر خشونت صادره کشورهای عضو، در چهارچوب قوانین مدنی، به طور متقابل در کلیه کشورهای عضو اتحادیه اروپایی نافذ است و اقدامات حمایتی تصویب شده برای قربانی خشونت، در چهارچوب قوانین مدنی، در یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپایی، میتواند

به کشورهای دیگر عضو اتحادیه اروپایی نیز تسری داده شود. در صورتی که قربانی خشونت در نظر داشته باشد به طور موقت یا دائم در یکی از کشورهای اتحادیه اروپایی اقامت کند و دادگاهی در آلمان برایش مصوبه حمایت از خشونت صادر کرده باشد، میتواند از دادگاه صادرکننده مصوبه، درخواست کند، گواهی در مورد مصوبه صادره جهت حمایت در برابر خشونت را صادر نماید. قربانی میتواند در کشور عضو اتحادیه اروپایی محل اقامت، با در دست داشتن این گواهی، نافذ بودن و در صورت لزوم، اجرای مصوبه حمایتی را درخواست کند. مراجع کشور محل اقامت در این صورت، مصوبه صادر شده توسط دادگاه آلمانی را به عنوان مصوبه صادره از مراجع صالح کشور خود، تلقی خواهند کرد.

آیا با وضع قانون حمایت در برابر خشونت، نیازی به خانه های زنان نیست؟

چرا، به این دلیل که قربانی صلاح نیست در همه موارد خشونت خانگی، در منزل بماند. گاهی به دلایل امنیتی مصلحت نیست و گاهی بهتر است قربانی، به دلیل برداشت ذهنی اش از تهدید و ترس، در منزل نماند. تجربه نشان داده است که برای بسیاری از زنان، واگذاری منزل، در مقایسه با فرار و پناهنجویی در یک خانه زنان، گزینه بهتری نیست. در حالیکه برای زنان دیگری، واگذاری منزل مناسب تر از اقامت در خانه زنان است. هر دو راه حل، دارای ارزش برابر و هر دو اقدامات مناسبی میباشد برای محافظت خود در مقابل خشونت خانگی. این مسئله را باید هنگام تخصیص کمک مالی بر اساس کتاب دوم قانون امور اجتماعی - تأمین معاش کسانی که در جستجوی کارند (Sozialgesetzbuch Zweites Buch - Grundsicherung für Arbeitsuchende - SGB II) و کتاب دوازدهم قانون امور اجتماعی، کمک اجتماعی برای تأمین معاش (- Sozialgesetzbuch Zwölftes Buch - Sozialhilfe - SGB XII) مورد ملاحظه قرار داد.

اگر قربانی خشونت خانگی باشید، چه مرجعی به شما کمک میکند؟

پلیس از طریق تلفن اضطراری ۱۱۰
 دفاتر پذیرش درخواستهای حقوقی دادگاه ها (Rechtsantragsstellen)
 نمایندگی ویژه مسئول امور زنان و برابری جنسیتی شهر، از طریق شهرداریها
 (Stadtverwaltung/Rathaus) یا بخشداریهها (Landratsämter)
 خانه زنان در محل، که بسیاری از اوقات در دفتر تلفن تحت عنوان
 "Frauen helfen Frauen" (زنان به زنان کمک میکنند) قید شده است. میتوانید
 از طریق مرکز هماهنگی خانه های زنان با شماره تلفن ۰۳۰ ۳۳۸ ۴۳ ۴۲-۰، شماره
 فکس ۰۳۰ ۳۳۸ ۴۳ ۴۲-۱۹ و ایمیل www.frauenhauskoordinierung.de نیز
 تماس بگیرید (با امکان جستجوی امکانات کمک رسانی در محل سکونت خود)
 شماره تلفن اضطراری کمک به زنان در محل سکونت و مراکز مشاوره زنان در
 محل سکونت (از طریق دفتر تلفن و یا انجمن فدرال مراکز مشاوره زنان و مراکز
 تلفن اضطراری زنان (bff): www.frauen-gegen-gewalt.de
 (با امکان جستجوی امکانات کمک رسانی در محل سکونت خود)
 تلفن کمک رسانی "خشونت علیه زنان" (در سراسر آلمان، در کلیه ساعت شبانه
 روز و رایگان با شماره ۰۸۰۰۰ ۱۱۶۰۱۶ در دسترس است)، www.hilfetelefon.de
 مراکز کمک رسانی مداخله که در برخی از ایالتها به منظور ارائه مشاوره در زمینه
 حمایت در برابر خشونت وجود دارد (دفتر تلفن)
 دفاتر امور مردان و مراکز مشاوره برای مردان (در بسیاری از شهرهای بزرگ، دفتر تلفن)
 شعبه های مؤسسه "حلقه سفید (Weißer Ring)" (تلفن کمک رسانی به قربانی
 در سراسر آلمان با شماره تلفن ۱۱۶ ۰۰۶) www.weisser-ring.de
 سایر مؤسسات کمک رسانی به قربانیان در ایالتها، مانند سازمانهایی که تحت
 سازمان فدرال "انجمن کمک به قربانیان (ado)" و یا در بنیادهای ایالتی برای
 حمایت از قربانیان فعالیت میکنند
 اداره کودکان و نوجوانان (یوگند آمت) در موارد خشونت علیه کودکان و نوجوانان
 تلفن کمک رسانی به کودکان و نوجوانان، متعلق به انجمن "شماره علیه غصه
 (Nummer gegen Kummer)" برای کودکان و نوجوانان تحت شماره تلفن
 ۱۱۶ ۱۱۱ (روزهای دوشنبه تا شنبه از ساعت ۱۴ تا ۲۰)،
www.nummergegenkummer.de
 کمک و مشاوره برای مجرمین، از طریق انجمنهای عضو انجمن فدرال کار با
 مرتکبین خشونت خانگی، www.taeterarbeit.com

قانون حمایت مدنی در برابر خشونت و تعقیب و مزاحمت پیگیرانه (استالکینگ) (قانون حمایت در برابر خشونت) Gesetz zum zivilrechtlichen Schutz vor Gewalttaten und Nachstellungen (Gewaltschutzgesetz – GewSchG)

<p>(۲) بند ۱ در مواردی نافذ است، که</p> <p>۱. شخصی فرد دیگری را به طور غیرقانونی تهدید به ایراد صدمه به حیات، جسم، سلامتی و یا آزادی کرده باشد. یا</p> <p>۲. شخصی به طور غیرقانونی و عامدانه (الف) به منزل یا دارائی شخص دیگری تجاوز کند، یا (ب) برای شخص دیگری به نحو تحمل ناپذیری ایجاد مزاحمت کند، بدین ترتیب که وی را مورد تعقیب و مزاحمت پیگیرانه (استالکینگ) قرار دهد یا او را با استفاده از وسایل ارتباط از راه دور تعقیب کند، علیرغم آنکه این فرد، مشخصاً اعلام کرده باشد که مایل به انجام این کار نیست.</p> <p>در مورد حرف (ب) شماره ۲، جمله ۱، در صورتی که عمل شخص، به منظور حفظ منافع برحق خود باشد، مصداق مزاحمت غیرقابل تحمل نیست.</p> <p>(۳) دادگاه میتواند در موارد جمله ۱ بند ۱، یا بند ۲، دستور اجرای تهیدات مربوط به بند ۱ را حتی در شرایطی صادر کند، که ارتکاب جرم، به دلیل اختلال موقتی بیمارگون روانی و خارج از اراده شخص، به دلیل صرف مشروبات الکلی و یا مواد مشابه، انجام شده باشد.</p>	<p>(ماده ۱ قانون بهبود حمایت مدنی در برابر خشونت و تعقیب و مزاحمت پیگیرانه (استالکینگ) و تسهیل واگذاری منزل مشترک در صورت جدایی، مورخ ۱۱ دسامبر ۲۰۰۱ (روزنامه رسمی قوانین فدرال، ۱، صفحه ۳۵۱۳))</p> <p>آخرین تغییرات مطابق ماده ۴ قانون مورخ اول مارس ۲۰۱۷ (روزنامه رسمی قوانین فدرال، بخش ۱، صفحه ۳۸۶)</p>
ماده ۱	
تهیدات قانونی برای حمایت در برابر خشونت و تعقیب و مزاحمت پیگیرانه (استالکینگ)	
<p>(۱) در صورتی که شخصی عامدانه و برخلاف قانون به جسم، سلامتی و یا آزادی شخص دیگری صدمه بزند، دادگاه موظف است، بنا به درخواست مصدوم، تهیدات لازم را به منظور ممانعت از صدمات بعدی، به اجرا بگذارد. این التزامات بایستی موقت باشد، اما مدت اعتبار آن قابل تهدید است. دادگاه میتواند با تصویب مصوبه، مجرم را مشخصاً منع کند که،</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. وارد منزل مصدوم شود، ۲. به محدوده مشخصی در نزدیکی منزل مصدوم وارد شود، ۳. به محلها مشخص دیگری برود که مصدوم به طور منظم به این مکانها میرود. ۴. با مصدوم تماس بگیرد که شامل ارتباط از راه دور نیز میشود، ۵. شرایط ملاقات با مصدوم را فراهم کند. <p>البته در صورتی که انجام این کارها برای حفظ منافع برحق شخص، ضروری نباشد.</p>	<p>(۱) در صورتی که مصدوم در زمان ارتکاب جرم موضوع جمله ۱ بند ۱ ماده ۱ و همچنین در رابطه با بند ۳، با مجرم به طور دائم در یک منزل سکونت داشته باشد، میتواند از</p>
ماده ۲	
واگذاری منزل مسکونی مشترک	

مجرم بخواهد، منزل مشترک را جهت استفاده انحصاری، به او واگذار نماید.

(۲) در صورتی که مصدوم، به همراه مجرم به طور مشترک، دارای مالکیت، حق احداث ساختمان یا حق انتفاع از زمینی باشد که منزل بر روی آن احداث شده است، و یا منزل را به همراه مجرم به طور مشترک اجاره کرده باشد، مدت واگذاری منزل، باید محدود باشد. در صورتی که مجرم به تنهایی و یا به همراه شخص دیگری به طور مشترک، دارای مالکیت، حق احداث ساختمان یا حق انتفاع از زمینی باشد که منزل بر روی آن احداث شده است و یا منزل را به تنهایی و یا به همراه شخص ثالثی به طور مشترک اجاره کرده باشد، باید دادگاه، مدت واگذاری منزل را به مدت حداکثر ۶ ماه محدود کند. در صورتی که مصدوم در طی مدتی که دادگاه مطابق جمله ۲ تعیین کرده است، موفق به تهیه محل مسکونی مناسبی با شرایط قابل قبول نشود، دادگاه میتواند این مهلت را حداکثر به مدت شش ماه دیگر تمدید کند، مگر آنکه این امر برخلاف منافع عمده مجرم یا شخص ثالثی باشد. جملات ۱ تا ۳ در مورد مالکیت منزل، حق سکونت دائم و حق سکونت صلح شده، نافذ است.

(۴) در صورتی که منزل مسکونی، جهت استفاده به مصدوم واگذار شود، مجرم باید از کلیه کارهایی خودداری کند که باعث دشواری و یا مانع استفاده از این حق شود.

(۵) مجرم میتواند از مصدوم درخواست کند، مبلغی جهت استفاده از منزل پرداخت نماید، در صورتی که این امر برحق و متناسب باشد.

(۶) در صورتی که فرد مورد تهدید، در هنگام ارتکاب تهدید موضوع شماره ۱ جمله ۱ بند ۲ ماده ۱ و در رابطه با بند ۳ به طور دائم به همراه مجرم در منزل مسکونی مشترک زندگی میکرده است، میتواند درخواست کند که منزل مشترک مسکونی به او واگذار شود، مشروط به آن که این امر به منظور جلوگیری از عسر و حرج شدید باشد. عسر و حرج شدید از جمله در صورتی مصداق دارد که صلاح و آسایش کودکانی که در منزل زندگی میکنند، خدشه دار شود. در غیر این صورت بندهای ۲ تا ۵ نافذ است.

ماده ۳

قلمرو قضائی، نهادهای موازی

(۱) اگر مصدوم یا فرد مورد تهدید قرار گرفته، در زمان ارتکاب جرم موضوع بند ۱ و یا جمله ۱ بند ۲ ماده ۱، تحت حضانت والدین، قیمومت و یا سرپرستی باشد، در این صورت در رابطه با والدین و افراد دارای قیمومت، به جای مواد ۱ و ۲، مقررات مربوط به حضانت، قیمومت و سرپرستی مورد عمل قرار میگیرد.

(۲) این قانون تأثیری بر سایر حقوق و مطالبات مصدوم ندارد.

(۳) در موارد زیر حق برخورداری از موارد مندرج در بند ۱ غیرممکن است:

۱. نگرانی در مورد ایراد جراحات بیشتر وجود نداشته باشد، مگر آن که به دلیل شدت جرم، نتوان از مصدوم انتظار داشت، ادامه زندگی مشترک با مجرم را تحمل کند یا
۲. در صورتی که مصدوم در طول مدت سه ماه پس از ارتکاب جرم، به طور کتبی درخواست واگذاری منزل توسط مجرم را نکند، یا
۳. در صورتی که واگذاری منزل به مصدوم، به نحو شدیدی مغایر منافع عمده مجرم باشد.

ماده ۴

مقررات کیفری

بخشهای منتخب قانون آئین دادرسی در مسائل خانواده و صلاحیت قضائی دادگاه با شرایط دادرسی ویژه
Gesetz über das Verfahren in Familiensachen und in den Angelegenheiten der freiwilligen Gerichtsbarkeit (FamFG)
 (نسخه مورخ اول مارس ۲۰۱۷ (روزنامه رسمی قوانین فدرال ۱، صفحه ۴۸۶))

افراد زیر به مجازات زندان به مدت یک سال و یا به مجازات نقدی مجازات میشوند:

ماده ۲۱۰ FamFG

مسائل مربوط به حمایت در برابر خشونت

مسائل مربوط به حمایت در برابر خشونت عبارت است از دادرسیهایی که مطابق مواد ۱ و ۲ قانون حمایت در برابر خشونت انجام میشود.

۱. فردی که از مصوبه لازم الاجرا موضوع جمله ۱ یا جمله ۳ بند ۱ ماده ۱ و در هر دومورد در ارتباط با جمله یک بند ۲ تخطی کند، یا
۲. از تعهدات مندرج در یک مصالحه و توافق تخطی کند، البته در صورتی که این مصالحه مطابق جمله ۱ ماده ۲۱۴ الف قانون آئین دادرسی در مسائل خانواده و صلاحیت قضائی دادگاه با شرایط دادرسی ویژه (FamFG) در ارتباط با جمله ۱ یا ۳ بند ۱ ماده ۱ این قانون، مورد تأیید قرار گرفته باشد.

ماده ۲۱۱ FamFG

صلاحیت محلی

- بسته به انتخاب خواهان، صلاحیت محلی منحصراً نزد
۱. دادگاهی است که عمل ارتكابی در محدوده صلاحیت محلی آن انجام شده است،
 ۲. دادگاهی است که در محدوده صلاحیت محلی آن، منزل مشترک خواهان و خواننده قرار دارد،
- یا
۳. دادگاهی است که محل سکونت متعارف خواننده در محدوده صلاحیت آن قرار دارد

این امر مانع قابلیت مجازات بر طبق سایر مقررات نیست.

ماده ۲۱۲ FamFG

اصحاب دعوی

در صورتی که کودکی در منزل زندگی کند، باید در دادرسیهای مبتنی بر ماده ۲ قانون حمایت در برابر

اعلام شفاهی درخواست، در عین حال به معنای درخواست اجرا نیز می‌باشد، البته ابلاغ نمی‌تواند بنا بر درخواست خواهان قبل از اجرا انجام شود.

خشونت، اداره کودکان و نوجوانان (یوگندآمت) بنا به درخواست این اداره، مشارکت داده شود.

ماده ۲۱۳ FamFG

استماع اداره کودکان و نوجوانان (یوگندآمت)

ماده ۲۱۴ الف FamFG

تأیید مصالحه و توافق

در صورتی که طرفین دعوی، به مصالحه و توافقی دست یابند، دادگاه باید این مصالحه را تأیید کند، البته در صورتی که دادگاه می‌توانست این تمهیدات مورد توافق را به صورت مصوبه مبتنی بر بند ۱ ماده ۱ قانون حمایت در برابر خشونت و در رابطه با جمله ۱ بند ۲ ماده ۱ قانون حمایت در برابر خشونت، صادر کند. امکان اعتراض به تأیید دادگاه وجود ندارد.

(۱) دادگاه بایستی در دادرسیهای مبتنی بر ماده ۲ قانون حمایت در برابر خشونت، در صورتی که کودکانی در منزل زندگی کنند، اظهارات اداره کودکان و نوجوانان (یوگندآمت) را مورد استماع قرار دهد. در صورتی که این امر به خاطر دفع عاجل خشونت انجام نشود، بایستی استماع بلافاصله پس از اتخاذ تصمیم، انجام شود.

(۲) دادگاه باید در موارد جمله ۱ بند ۱، تصمیم متخذه را به اداره کودکان و نوجوانان (یوگندآمت) اعلام کند. حق اعتراض برای اداره کودکان و نوجوانان (یوگندآمت) محفوظ است.

ماده ۲۱۵ FamFG

اجرای تصمیم نهایی

دادگاه بایستی در دادرسیهای مبتنی بر ماده ۲ قانون حمایت در برابر خشونت، هنگام تصمیم گیری نهایی، مصوبات لازم جهت اجرای تصمیمات را صادر نماید.

ماده ۲۱۴ FamFG

مصوبه موقت

(۱) دادگاه می‌تواند بنا به درخواست، با صدور مصوبه موقت، مقررات موقتی مطابق ماده ۱ یا ماده ۲ قانون حمایت در برابر خشونت تعیین کند. به طور معمول نیاز عاجل به صدور مصوبه در مواردی است که جرم موضوع ماده ۱ قانون حمایت در برابر خشونت انجام شده باشد و یا به دلیل شرایط مشخص موجود، انتظار ارتکاب جرم برود.

ماده ۲۱۶ FamFG

اعتبار قانونی؛ اجرا قبل از ابلاغ

(۱) تصمیمات نهایی در امور مربوط به حمایت در برابر خشونت، پس از صدور حکم قطعی، اعتبار قانونی دارد. دادگاه بایستی دستور اعتبار قانونی بلافاصله را اعلام کند.

(۲) دادگاه می‌تواند با صدور دستور اعتبار قانونی بلافاصله، دستور مجاز بودن اجرا پیش از ابلاغ به خواننده را نیز صادر

(۲) مصوبه صادره بر طبق بند ۱، بایستی رسماً ابلاغ شود. دفتر دادگاه، مأمور اجرای احکام را مأمور میکند، مصوبه را ابلاغ نماید. درخواست صدور مصوبه موقت، در صورت موافقت دادگاه و صدور مصوبه بدون تشکیل دادگاه و

بلافاصله به اطلاع اداره پلیس مربوطه و سایر مراجع دولتی دست اندرکار اجرای مصوبه میرساند، مگر آنکه علائق و منافع مورد حمایت یکی از اصحاب دعوی مبنی بر عدم اطلاع به مراجع مسئول، مهمتر از نیاز به حمایت اصحاب دیگر دعوی یا منافع عموم مبنی بر اطلاع دادن به مراجع مسئول باشد. اصحاب دعوی بایستی از اعلام تصمیمات مطلع شوند. مصالحه تأیید شده توسط دادگاه مطابق ماده ۲۱۴ الف، مشمول همین مقررات است.

کند. در این صورت اعتبار قانونی تصمیم دادگاه، زمانی است که مصوبه جهت اعلام به دفتر دادگاه تحویل میشود که این تاریخ بایستی در حکم قید شود.

ماده ۲۱۴ الف FamFG

اعلام تصمیمات

دادگاه مصوبات مبتنی بر مواد ۱ و ۲ قانون حمایت در برابر خشونت و همچنین تغییرات یا فسخ این مصوبات را

بخشهای منتخب قانون مدنی Bürgerliches Gesetzbuch (BGB)

کرد. همین مطلب در باره مالکیت منزل، حق سکونت دائم و حق سکونت صلح شده نیز صادق است.

(نسخه منتشر شده جدید مورخ ۲ ژانویه ۲۰۰۲ (روزنامه رسمی قوانین فدرال، ۲۰۰۲، ۱، صفحه ۴۲))

ماده ۱۳۶۱ ب قانون مدنی

منزل مشترک زوجین هنگام جدایی

(۲) چنانچه همسری که از او خواسته شده است، منزل را واگذار کند، به جسم، سلامتی و یا آزادی همسر دیگر به طور عامدانه و غیرقانونی، صدمه وارد کرده و یا تهدید به این امر کرده باشد و یا زندگی همسر را مورد تهدید قرار داده باشد، باید به طور معمول، کل منزل مسکونی را جهت استفاده انحصاری در اختیار همسر قرار دهد. اعطای حق واگذاری منزل فقط در صورتی غیرممکن است که جای نگرانی در مورد ایراد ضرب و جرح بیشتر و یا ادامه تهدیدات غیرقانونی نباشد، مگر آن که به دلیل شدت جرم مرتکب شده، نتوان انتظار داشت که همسر ادامه زندگی مشترک را تحمل کند.

(۱) در صورتی که زن و شوهر جدا زندگی کنند و یا یکی از زوجین قصد جدا زندگی کردن داشته باشد، زن یا شوهر میتواند از همسرش، خواستار در اختیار گذاشتن کل منزل مشترک و یا بخشی از آن، برای استفاده انحصاری خودش شود. البته به شرطی که این مسئله - به رغم در نظر گرفتن منافع همسرش نیز - برای جلوگیری از عسر و حرج شدید، ضروری باشد. خدشه دار شدن صلاح و آسایش کودکانی که در منزل زندگی میکنند نیز از مصادیق عسر و حرج شدید به شمار میرود. در صورتی که یکی از زوجین به تنهایی یا بطور مشترک با شخص ثالث، دارای مالکیت، حق احداث ساختمان یا حق انتفاع از زمینی باشد که منزل بر روی آن احداث شده است، بایستی به این مسئله بطور خاص توجه

(۳) در صورتی که کل منزل مشترک و یا بخشی از آن به یکی از زوجین واگذار شده باشد، همسر دیگر باید از کلیه کارهایی خودداری کند که باعث دشواری و یا مانع استفاده از این حق شود. وی میتواند در صورت برحق و

(نسخه قانون تغییر توافق در مورد مبالغ قابل پرداخت بابت سود حاصله و حق قیمومت، مورخ ۶ ژوئیه ۲۰۰۹ روزنامه رسمی قوانین فدرال، ۱، صفحه ۱۶۹۶)

متناسب بودن، از همسری که خانه به او واگذار شده است، درخواست کند، مبلغی جهت استفاده از منزل پرداخت شود.

ماده ۱۵۶۸ الف قانون مدنی

منزل مشترک زوجین

(۱) زن یا شوهر میتواند در صورت طلاق خواستار شود که همسرش منزل مشترک را، به وی واگذار کند، مشروط به آن که این فرد به دلیل صلاح و آسایش کودکانی که در منزل مشترک زندگی میکنند و با درنظر گرفتن وضعیت زندگی زوجین، در مقایسه با همسرش، نیاز بیشتری به زندگی در منزل مشترک داشته باشد، و یا آنکه به دلایل دیگری، واگذاری منزل مشترک به وی، برحق و متناسب باشد.

(۲) در صورتی که یکی از زوجین، به تنهایی و یا به همراه شخص ثالث، مالک زمینی باشد که منزل بر روی آن واقع شده است، و یا به تنهایی و یا به طور مشترک با شخص ثالثی نسبت به زمین دارای حق انتفاع، حق احداث ساختمان و یا حق سکونت صلح شده باشد، در این صورت همسرش، تنها در صورتی میتواند خواهان واگذاری منزل شود که این امر برای جلوگیری از عسر و حرج شدید، ضروری باشد. همین امر در باره مالکیت منزل و حق سکونت دائم نیز نافذ است.

(۳) همسری که منزل به او واگذار میشود،

۱. از زمان دریافت اعلامیه همسر مبنی بر واگذاری

منزل توسط موجر و یا

۲. از زمان لازم الاجرا شدن تصمیم نهائی دادگاه در

زمینه واگذاری منزل،

در اجاره نامه منعقدۀ توسط همسری که موظف به واگذاری منزل شده است، جایگزین او و یا از این تاریخ به تنهایی مستأجر قرارداد اجاره خانه محسوب میشود. بند ۴ ماده ۵۶۳ در این مورد نافذ است.

(۴) در صورتی که یکی از زوجین، پس از جدائی موضوع بند ۱ ماده ۱۵۶۷، از منزل مشترک اسباب کشی کرده باشد و طی مدت شش ماه پس از اسباب کشی، در قبال همسر خود، اظهار مشخصی دال بر تمایل به بازگشت به منزل مشترک نکرده باشد، ظن محرز بر آن است که میتواند به همسری که در منزل مشترک مانده است، حق استفاده از منزل مشترک را به تنهایی واگذار کرد.

در صورتی که انعقاد قرارداد اجاره دائم، خلاف منافع برحق موجر باشد، خواهان موقتی بودن قرارداد اجاره به مدت معقول باشد. در صورتی که بر سر میزان مبلغ اجاره توافق حاصل نشود، موجر میتواند خواستار پرداخت اجاره مناسب و در صورت وجود تردید در میزان اجاره مناسب، خواستار پرداخت اجاره متعارف محل شود.

(۶) در موارد بندهای ۳ و ۵ حق وارد شدن به قرارداد اجاره خانه و یا انعقاد قرارداد اجاره، یک سال پس از قطعی شدن تصمیم نهائی دادگاه طلاق باطل میشود، به شرط آنکه قبلاً در این مورد اقامه دعوا نشده باشد

(۴) یکی از زوجین فقط در صورتی میتواند خواستار انعقاد قرارداد اجاره منزلی شود که زن و شوهر به دلیل رابطه خدمتی و یا کاری اجاره کرده بودند و قرارداد اجاره بین یکی از زوجین و شخص ثالثی منعقد شده است، که شخص ثالث موافق باشد و یا آن که برای جلوگیری از عسر و حرج شدید، ضروری باشد.

(۵) در صورتی که قرارداد اجاره برای منزل مشترک موجود نباشد، هم همسری که دارای حق واگذاری منزل است و هم شخصی که مجاز به اجاره دادن منزل است، میتوانند خواهان انعقاد اجاره نامه به شرایط متعارف محل شوند. موجر میتواند تحت شرایط مندرج در بند ۱ ماده ۵۷۵ و یا

بخشهای منتخب قانون مجازات کیفری Strafgesetzbuch (StGB)

۳. با سوء استفاده از داده های خصوصی این شخص،
الف) کالا و یا خدماتی را برای این شخص سفارش دهد و یا
ب) موجب ارتباط فرد ثالثی با این شخص شود، یا
۴. خود شخص را تهدید به ایراد صدمه به زندگی،
تمامیت جسمانی، سلامتی و یا
آزادی خودش، یکی از بستگان یا نزدیکانش نماید، یا
۵. عمل مشابهی انجام دهد، به مجازات زندان به
مدت حداکثر سه سال و یا مجازات نقدی محکوم
میشود.

(۲) در صورتی که مجرم، با ارتکاب جرم، موجب شود که
قربانی، یکی از بستگان و یا نزدیکان قربانی، در معرض
خطر مرگ یا صدمه سنگین به سلامتی قرار گیرد، به
محکومیت زندان از سه ماه تا پنج سال محکوم خواهد شد.

نسخه قانون بهبود حمایت در برابر تعقیب و مزاحمت
پیگیرانه (استالکینگ) (روزنامه رسمی قوانین فدرال ۲۰۱۷،
۱، صفحه ۳۸۶))

ماده ۲۳۸ قانون مجازات کیفری

تعقیب و مزاحمتهای پیگیر ("استالکینگ")

(۱) فردی که شخص دیگری را به طور غیر مجاز به
نحوی تعقیب کند، که بتواند زندگی این شخص را به طور
محسوسی مختل سازد، یعنی مصرانه

۱. تلاش کند از نظر مکانی به او نزدیک باشد،
۲. با استفاده از وسائل ارتباط از راه دور و یا از سایر
طریق ارتباطی، و یا از طریق شخص ثالثی سعی کند
با این شخص ارتباط برقرار کند،

(۴) در موارد قید شده در بند ۱، جرم منحصراً بنا به درخواست، مورد پیگرد قرار میگیرد، مگر آنکه اداره مسئول پیگرد کیفری، به دلیل منافع ویژه عموم، تشخیص دهد که بنا بر وظیفه قانونی خود، لازم است دخالت کند.

(۳) در صورتی که مجرم به سبب ارتکاب جرم، باعث مرگ قربانی، یکی از بستگان و یا نزدیکان قربانی شود، به مجازات زندان از یک تا ده سال محکوم خواهد شد.

بخشهای منتخب قانون اقامت Aufenthaltsgesetz (AufenthG)

(نسخه قانون مورخ ۱۷ ژوئیه ۲۰۱۷، روزنامه

رسمی قوانین فدرال، صفحه ۲۴۲۹)

ماده ۳۱ قانون اقامت

حق اقامت مستقل همسر

(۲) در صورتی میتوان از شرط سه سال زندگی مشترک در آلمان فدرال، موضوع شماره ۱ جمله ۱ بند ۱ صرف نظر کرد که فراهم کردن امکان ادامه اقامت همسر، به منظور جلوگیری از عسر و حرج ویژه، ضروری باشد، مگر آنکه تمدید اجازه اقامت برای فرد تبعه خارج مجاز نباشد. عسر و حرج ویژه، به خصوص در صورتی مصداق دارد که مطابق قانون آلمان، ازدواج به دلیل عدم رسیدن به سن قانونی همسر در هنگام ازدواج، معتبر نباشد و یا فسخ شده باشد و در صورتی که برای همسر، اجبار به بازگشت به کشور خود به دلیل پایان یافتن زندگی مشترک، متضمن تهدید به خدشه دار شدن شدید منافی باشد، که باید مورد حمایت قرار گیرد و یا در صورتی که به خاطر خدشه دار شدن شدید منافی که باید مورد حمایت قرار گیرد، نتوان از همسر انتظار داشت که ادامه زندگی زناشویی را تحمل کند. این شرایط در صورتی به طور خاص محتمل است که همسر، قربانی خشونت خانگی باشد. صلاح و آسایش کودکی که به همراه همسر، در زندگی مشترک خانواده زندگی میکند، از جمله منافی است که باید مورد حمایت قرار گیرد. به منظور جلوگیری از سوءاستفاده و چنانچه همسر به دلایلی که در حیطه اقتدارش قرار دارد، از مزایای

(۱) اجازه اقامت همسر در صورت پایان یافتن زندگی مشترک زناشویی، در صورتی به مدت یک سال، به عنوان حق اقامت مستقل و بدون ارتباط با حق الحاق به خانواده تمدید میشود، که

۱. زندگی مشترک به مدت حداقل سه سال به طور قانونی در جمهوری فدرال آلمان به طول انجامیده باشد، یا
۲. فرد تبعه خارج، در طول زندگی مشترک در جمهوری فدرال آلمان فوت کرده باشد و تا آن زمان دارای اجازه اقامت (Aufenthaltserlaubnis)، اجازه اقامت دائم (Niederlassungserlaubnis) و یا اقامت دائم در اتحادیه اروپائی (Erlaubnis zum Daueraufenthalt EU) بوده باشد، مگر آن که این فرد به دلایلی خارج از حیطه اقتدارش، نتوانسته باشد به موقع درخواست تمدید کرده باشد. جمله ۱ در مواردی غیرقابل اجرا است که امکان تمدید اجازه اقامت فرد تبعه خارج، وجود نداشته باشد و یا اعطای اجازه اقامت دائم و یا اجازه اقامت دائم

کتاب دوم یا دوازدهم قانون امور اجتماعی استفاده کند. امکان رد درخواست تمدید اقامت، وجود دارد.

(۳) در صورتی که معاش همسر، پس از پایان یافتن زندگی مشترک از طریق پرداخت نفقه از محل امکانات مالی خود فرد تبعه خارج، تأمین شود و این فرد دارای اجازه اقامت دائم و یا اجازه اقامت دائم در اتحادیه اروپائی باشد، باید به همسرش نیز با عدول از شماره های ۳، ۵ و ۶ جمله ۱ بند ۲ ماده ۹، اجازه اقامت دائم اعطا شود.

(۴) استفاده از مزایای کتاب دوم یا دوازدهم قانون امور اجتماعی (Sozialgesetzbuch) مانع تمدید اجازه اقامت - بدون تأثیر بر جمله ۴ بند ۲- نیست. بر اساس آن امکان تمدید اجازه اقامت در صورتی فراهم است، که شرایط لازم برای اعطای اجازه اقامت دائم یا اجازه اقامت دائم اتحادیه اروپائی فراهم نباشد.

این بروشور بخشی از فعالیتهای دولت فدرال در زمینه روابط عمومی است که به طور رایگان در اختیار قرار میگیرد و قابل فروش نیست.

ناشر:

وزارت فدرال
خانواده، سالمندان، زنان و جوانان
اداره روابط عمومی
۱۱۰۱۸ برلین
www.bmfsfj.de

وزارت فدرال دادگستری و حمایت از مصرف کننده، اداره روابط عمومی، ارتباطات دیجیتال،
۱۰۱۱۵ برلین
www.bmjv.de

تلفن به زبان اشاره: gebaerdentelefon@sip.bundesregierung.de،
ایمیل: publikationen@bundesregierung.de،
www.bmfsfj.de

برای پاسخگویی به سؤالات، با خدمات تلفنی ما به شماره ۰۳۰ ۲۰۱۷۹۱۳۰ تماس بگیرید.
روزهای دوشنبه تا پنجشنبه از ساعت ۹ تا ۱۸
شماره فکس ۴۴۰۰ - ۱۸۵۵۵ - ۰۳۰
ایمیل info@bmfsfj-service.bund.de

شماره تلفن مشترک کلیه ادارات دولتی: * ۱۱۵

تاریخ تنظیم: آوریل ۲۰۱۹، چاپ پنجم

تنظیم جلد / مقدمه: www.zweiband.de

تنظیم صفحات داخل: www.avitamin.de

مالکیت عکس دکتر فرانسیسکا گیفی: دولت فدرال / یسکو دننزل

مالکیت عکس دکتر کاتارینا بارلی: وزارت فدرال دادگستری و حمایت از مصرف کننده / توماس کوهلر / فوتوتک
چاپ: شرکت با مسئولیت محدود بونیفاتیوس (BONFATIUS) چاپ - کتاب - ناشر، پدربورن

* شماره تلفن ۱۱۵ جهت پاسخگویی به سؤالات کلی در مورد کلیه ادارات دولتی، در اختیارتان قرار دارد. این تلفن در مناطقی راه اندازی شده، روزهای دوشنبه تا جمعه از ساعت ۸/۰۰ تا ۱۸/۰۰ در دسترس قرار دارد. با شماره تلفن ۱۱۵ میتوان از تلفن ثابت و همچنین از بسیاری از شبکه های تلفن همراه، با نرخ محلی تماس گرفت که در صورت داشتن قرارداد فلت ریت رایگان است. برای ناشنویان امکان کسب اطلاعات از طریق نشانی پروتکل سیپ de.gebaerdentelefon.d115@115 فراهم است. برای کسب اطلاع در مورد امکان تماس با شماره تلفن 115 در منطقه خود و سایر اطلاعات در

مورد شماره تلفن مشترک ادارات دولتی به صفحه اینترنتی <http://www.d115.de> مراجعه کنید.

